

زنا و زلزله، جادوگر و دین

سهرابستان

ابتدا قبل از هر تحلیل و سخنی در مورد اظهار فضل سران جمهوری اسلامی، باید به این نکته مهم توجه داشت که وجود هرگونه ارتباطی بین «دین آسمانی» و «آئین نظام حکومتی» صرفاً توهمی دردناک خواهد بود. آنچه بنام دین، توسط سران جمهوری اسلامی عرضه می گردد، هر چه هست، قطعاً ربطی به یک «دین آسمانی» ندارد.

«دین آسمانی» این هدف را دنبال می کرده که بشر از خرافات و موهومات دست برداشته و روی به حقیقت آورد.

بشر چند هزار سال قبل، بدلیل اینکه برای بسیاری از حوادث طبیعی و امراض و بلاها، توجیه و پاسخی را نمی شناخت، بسراغ جادوگران و شمن ها می رفت و راه نجات را نزد آنها می جست. این توجه به خرافه و دروغ، سبب بدبختی بیشتر انسانها می گردید. بشر با اعتماد کاذب به جادوگران متقلب، و باور دروغهای آنها، مشکل را حل شده دیده و هرگز دنبال علت واقعی حوادث طبیعی و امراض و بلاها نمی رفت و همچنان در منجلاب گرفتاریها باقی می ماند.

پیامبران و جادوگران، دشمنان یکدیگر بودند، پیامبران دروغ پردازهای جادوگران را رد کرده و بشر را به وجود خدای یکتا متوجه نموده و او را به پرستش این خدای یکتا دعوت می نمودند. کتابهای آسمانی تلاش داشتند تا با ذکر امثال و حکم، بشر را به تفکر و تعقل وادار نمایند.

پرستش واقعی خداوند، شناخت «نظم پیشرفته» حاکم بر جهان است. هیچ قدرتی در جهان قادر به شکستن این نظم پیچیده و درهم تنیده نیست، اما با کشف نظم، می توان «نظم حاکم» را به خدمت گرفت و اسباب رفاه و سعادت بشر نمود. انسانی که با کسب علم، و زحمات فراوان، دارویی را برای درمان مرضی کشف می کند، از نظم حاکم بر جهان بهره گرفته تا موجب آسایش انسانها شود. و عبادت واقعی خداوند همین کار است.

اما حاصل کار پیامبران همواره توسط خیل عظیم ساحران و فریبندگان مصادره شده و به ابزاری در دست ایشان کاهش یافته است. پس از مرگ هر پیامبری، ساحران بسرعت سوار بر موج شده و متولی دین عرضه شده گردیده و همان توهومات ذهنی خود را در قالب دین جدید درآورده و به بشر عرضه نموده اند. تحریف ادیان و منحرف نمودن دین از محتوای واقعی آن، سبب گردیده که هیچکدام از ادیان، نقطه درخشانی در راستای کاهش رنج و آلام بشری، در کارنامه خود نداشته و بالعکس، انبوهی از نقاط تاریک و شرم آور را بر پیشانی داشته باشند. از دوران تفتیش عقاید کلیسا و جنایات شنیع بنام مسیحیت گرفته تا حمله اعراب به خاک مقدس ایران بنام اسلام، از کشتار فلسطینیان بنام یهودیت گرفته تا سرکوب وحشیانه مردم ایران بنام جمهوری اسلامی، همه و همه، بخش هایی سیاه از «جنایت بنام دین» در تاریخ بشری هستند.

جمهوری اسلامی در این میان، تلاشی شکست خورده و تقلیدی ناشیانه از الگوی «دین سواری» توسط کاهنان و جادوگرانی است که لباس فقیه بر تن کرده اند. خشکسالی را در اثر زیاد شدن گناه، سیل را در اثر ندادن زکات و زلزله را در اثر زنا می دانند. تنها راه نجات نیز، تبعیت بی چون و چرا از خدایان زمینی است که لباس «الهی» بر تن دارند.

فقیهانی که چشم بر دزدیها و سوء مدیریتهای دولتمردان بی لیاقت جمهوری اسلامی بسته اند و از فرط ناآشنائی با علم و تکنولوژی مدرن، ذهن مردم را به توجیهات دروغین خود منحرف می کنند تا کسی معترض بی کفایتی ایشان نشود. گرچه اگر ذره ای حیا و شرف داشتند می فهمیدند که وجود نحس خودشان و عملکرد متحجرانه ایشان است که خساراتی بدتر از زلزله ای بر سرزمین ایران وارد نموده است.

پسر رئیس دولت کودتا که منصوب «ولایت فقیه» است، چهل و هفت میلیارد تومان ناقابل رشوه می گیرد تا وامی 700 میلیارد تومانی برای یک زالوی انگل کارچاق کنی کند، خود رئیس دولت کودتا، دروغ از هاله نور تا تولید انرجی هسته ای توسط دختر دانش آموز در زیرزمین خانه ایشان می گوید، از صدر تا ذیل حکومت برای خودشان مدرک دانشگاهی جعلی می خرند و با آن بیت المال را می چاچند، همه دست اندرکاران حکومت شده اند غارتگر ثروت ملی و مکنده خون بانکها، زندانهای کشور شده محل تجاوز و شکنجه و اسارتگاه پاک ترین فرزندان این ملت، غده خودشیفتگی رهبر غیرقانونی کشور چنان متورم شده که مستانه آیه قرآن در اثبات ولایت ستمکارانه اش جعل می کند و کشتی نوحی می سازد که مملو از غارتگران و جانپان و فرومایگان است. چشمان «فقها» عاجز است از دیدن اینهمه فساد و نکبت، و طبیعی است نابینائی که

چنین منکرات قلمبه ای را توان دیدن نیست، برای ربط دادن زنا به زلزله افسانه سرائی نماید. در عین حال که اگر فحشائی هم هست، بروایت همان «فقر و فحشا» که خودتان ساخته اید، در اثر فقر است، فقری که زائیده نحوست وجود شما است. فقری که مسببش، دزدیهای کلان مدیران نظام، از بیت رهبری گرفته تا جامعه مدرسین و از شورای نگهبان گرفته تا سپاه پاسداران است.

نگران مردم ایران نباشید، بلای زلزله، بدتر از بلای وجود حکومت جمهوری اسلامی نیست. نگران سرنوشت خودتان باشید که زلزله جنبش آزادیخواهی مردم ایران، بزودی ارکان استبداد را با شدت تمام به لرزه درآورده و فرو خواهد ریخت.

سهرابستان

وارد شده: 23 اردیبهشت 1389 – 13 مه 2010

مطالب ستون " مقالات وارده " الزاما بیانگر دیدگاههای سایت " ابلاغ " نمی باشند